

## اثر بخشی قصه‌گویی بر مؤلفه‌های هوش اخلاقی کودکان دختر پیش‌دبستانی در شهر اصفهان

\* مهناز علی‌اکبری<sup>1</sup>، احمد علیپور<sup>2</sup>، مهناز درنجفی شیرازی<sup>3</sup>

1. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور، 2. استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور، 3. کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه پیام‌نور

(تاریخ وصول: 93/03/26 - تاریخ پذیرش: 93/06/30)

## The effect of storytelling on moral intelligence components of preschool female students in Isfahan city

\*Mahnaz Aliakbari<sup>1</sup>, Ahmad Alipoor<sup>2</sup>, Mahnaz Dornajafi Shirazi<sup>3</sup>

1. Associate professor in Psychology, Payame Noor University, 2. Professor in Psychology, Payame Noor University, 3. M.A. in psychology, Payame Noor University

(Received: Jun. 16, 2014 - Accepted: Sep. 21, 2014)

## Abstract

## چکیده

**Introduction:** One of the most important issues in training children is developing moral intelligence and storytelling is considered as a tool for transferring moral and behavioral messages in different societies. The purpose of this study was to investigate the effect of storytelling on pre-school female students in Isfahan city. **Method:** The research method was experimental with pre-test and post-test design which was done on two groups of experiment and control groups. The statistical society of this study included all the female 4-6 years students of Isfahan kindergartens. After random selection of 30 children, they were placed into two groups of experimental and control and the 77 questions Questionnaire of Mickle Boreba was completed by their parents. **Results:** The results of analysis of covariance in  $\alpha=0.50$  showed a significant difference between the two groups in variants like empathy, conscience, respect and patience. **Conclusion:** Based on the results, the use of story telling as an indirect and educational method for children in a free and pre-determined manner and with regard to moral instructions is suggested.

**Keywords:** Storytelling, Moral intelligence, Children.

**مقدمه:** یکی از مهم‌ترین موضوعات در تربیت کودک، پرورش هوش اخلاقی اوست و قصه‌گویی به عنوان ابزاری جهت انتقال پیام‌های اخلاقی و رفتاری در جوامع گوناگون محسوب می‌گردد. از این‌رو، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر قصه‌گویی بر هوش اخلاقی دختران خردسال شهر اصفهان بود. **روش:** روش پژوهش آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل بود. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل تمامی کودکان دختر 4 تا 6 ساله مهدهای کودک شهر اصفهان بود. پس از انتخاب 30 کودک از سه مهد کودک در منطقه 3 شهر اصفهان با روش تصادفی خوشه‌ای، در 2 گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند و پرسشنامه 77 سؤالی میکله بوربا توسط والدین آن‌ها تکمیل گردید. **یافته‌ها:** نتایج آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد که بین دو گروه از لحاظ متغیرهای همدلی، وجدان، احترام و بردباری تفاوت معنی‌دار وجود دارد ( $p \leq 0.05$ ). **نتیجه‌گیری:** از این‌رو می‌توان از قصه‌گویی به عنوان یک روش آموزشی غیرمستقیم و متناسب با دنیای کودکی به صورت آزاد با روش‌های از پیش تعیین شده با توجه به آموزه خاص و هدفمند اخلاقی بهره گرفت. **واژگان کلیدی:** قصه‌گویی، هوش اخلاقی، کودکان.

## مقدمه

کودک در تصمیم گیری در امر درست و نادرست کمک می کند و باعث می شود او در مسیر اخلاق باقی بماند و در صورت انحراف احساس گناه بر او چیره شود)، خویشنداری (به کودک در مهار کردن امیال نفسانی اش یاری می کند و نیز باعث می شود قبل از مبادرت به هر عملی فکر کند و در نتیجه او به گونه ای صحیح رفتار می کند)، احترام (کودک را وامی دارد تا با دیگران به گونه ای رفتار کند که دوست دارد با خودش رفتار شود و به همین دلیل اساس پیشگیری از خشونت، بی عدالتی و نفرت را پایه گذاری می کند)، مهربانی (توجه کودک را به رفاه و احساسات دیگران جلب می کند. با تقویت این فضیلت، کودک خودخواهی کمتری خواهد داشت و بیشتر دلسوز و غمخوار می شود)، بردباری (یک ویژگی اخلاقی مؤثر است که دشمنی، خشونت و تعصب را کاهش می دهد و همزمان به گونه ای بر ما تأثیر می گذارد که با دیگران با مهربانی و احترام رفتار کنیم) و انصاف (به کودک کمک می کند تا ویژگی های مختلف دیگران را درک کند و آماده پذیرش چشم اندازها و باورهای جدید باشد و به دیگران بدون توجه به تفاوت جنسی، نژاد، ظاهر، فرهنگ، باورها، توانایی ها یا جهت گیری جنسی احترام بگذارد). این ویژگی های اساسی همان هایی هستند که شکیبایی اخلاقی را به او هدیه می کنند تا او در مسیر نیکی باقی بماند و به او کمک می کند تا بصورت اخلاقی رفتار کند (سیدی، 1389). ایجاد ظرفیت های هوش اخلاقی می تواند بر تمام جنبه های زندگی آن ها در حال حاضر و نیز کیفیت روابط، حرفه، خلاقیت، مهارت های فرزندپروری و شهروندی آن ها در آینده اثر بگذارد و حتی نقش آن ها را در حوزه هنر، اقتصاد، ادبیات و نیز اجتماعات محلی و جامعه بطور کلی تحت تأثیر قرار دهد

از جمله موارد مهم و اثرگذار در تربیت کودک، تربیت هوش اخلاقی اوست. هوش اخلاقی به معنای توانایی درک درست از نادرست است. این عبارت به معنای برخوردار بودن از عقاید اخلاقی راسخ و قوی و عمل کردن به آن هاست. به گونه ای که فرد به شیوه ای صحیح و محترمانه رفتار کند. اگر «هوش» را ظرفیت سازگاری با موقعیت جدید قلمداد کنیم، آنگاه «اخلاق»، ظرفیت سازمان دهی ارزشی به این موقعیت را پوشش خواهد داد؛ از این رو، «هوش اخلاقی» در کنار هوش عقلانی می تواند ژرفای توانمندی های فکری و عاطفی کودک را در ابعاد زندگی وی نمایان ساخته و نیک اندیشی و «نیک خویی» را در او پدید آورد (بوربا<sup>1</sup>، 2010؛ ترجمه کاوسی، 1390). پژوهش ها نشان داده اند کودکانی که به هر دلیل هوش اخلاقی کسب نکرده اند در معرض خطرهای جدی قرار دارند (کیا کمال، 1390). این کودکان به دلیل وجدان متزلزل، ضعف در مهار کردن امیال، رشد نیافتگی، حساسیت های اخلاقی و باورهای نادرست هدایت شده، تا حد زیادی به عقب افتادگی اخلاقی و اجتماعی دچار و در بزرگسالی به شخصیت های نابهنجار تبدیل می شوند (به نقل از کیا کمال، 1390). شاید بتوان گفت مهم ترین نکته در مبحث هوش اخلاقی این است که این هوش به طور کامل آموختنی و قابل یادگیری است و به هیچ وجه جنبه وراثتی ندارد و تنها از طریق تربیت به کودکان منتقل می شود. منش بر اساس هفت فضیلت اخلاقی تعریف می شود (بوربا، 2010؛ ترجمه کاوسی، 1390) که عبارت است از: همدلی (احساس اخلاقی بنیادینی که درک احساسات دیگران را برای فرزندان امکان پذیر می سازد)، وجدان (یک ندای درونی قوی که به

1. Boreba

گوناگون ادبی به انسجام فکری کودک، قدرت تخیل، تمرکز و داوری او کمک می‌کنند. یکی از بخش‌های مهم ادبیات کودک، قصه‌گویی است. قصه‌هایی که کودکان می‌خوانند و می‌شنوند اثری عمیق در فکر و روحیه آنان می‌گذارد و آن‌ها را برای رویارویی با مسائل رشد و معاشرت با دیگران آماده می‌سازد و نیز در درک و فهم مشکلات زندگی آن‌ها را یاری می‌دهد (پلوسکی<sup>4</sup>، 2006؛ ترجمه رحماندوست، 1385). برخی اندیشمندان از جمله جروم برونر، لکس، تیس و جکسون قصه‌گویی را شیوه‌ای طبیعی برای ساختن جهان می‌دانند. در این دیدگاه ارائه درس‌های اخلاقی در چار چوب قصه برای سازمان دادن به یادگیری‌ها در زندگی مطرح شده است. بدین ترتیب که اگر قصه‌ها در برگرفته اعمال و پیامدهای آن باشند، موجب رشد اخلاقی می‌شوند (بتلهایم<sup>5</sup>، 1978؛ ترجمه بهروز کیا، 1386). از این نظر اهمیت قصه در رشد اخلاقی توسط بسیاری از صاحب‌نظران مورد بحث قرار گرفته است. قصه و قصه‌گویی از مهم‌ترین ابزارهایی است که می‌تواند تخیل کودک را پرورش دهد و او را با دنیای اطراف و محیط زندگی‌اش آشنا کند. در واقع قصه و داستان پلی بین کودک و جهان اطرافش است. رویدادهایی که در یک قصه اتفاق می‌افتد به گونه‌ای است که کودک با شنیدن آن قصه، مشکل خود را در می‌یابد و آن را ابراز می‌کند و امید به زندگی پیدا می‌کند. قصه درمانی یکی از فنون روان‌درمانی است که در کنار رویکردهای روان‌شناسی مانند رویکرد تحلیلی، شناختی و رفتاری، کودکان را با فقدان‌ها، هراس‌ها و اضطراب‌ها آشنا می‌سازد و به گونه‌ای غیرمستقیم و جذاب نیرو و امید می‌دهد و در افکار و احساسات آن‌ها تغییر ایجاد می‌کند (پشت‌دار، 1386).

(گرین<sup>1</sup>، 1996؛ ترجمه آدینه‌پور، 1386). اخلاق، رشته‌ای است که در حد فاصل فلسفه و روان‌شناسی قرار گرفته است. فلاسفه تلاش می‌کنند تا برای اخلاقی یا غیراخلاقی دانستن بعضی رفتارها توجیحات منطقی ارائه کنند، اما روان‌شناسان در پی تبیین این مسأله هستند که چرا مردم به شیوه‌های اخلاقی یا غیراخلاقی عمل می‌کنند (بوربا، 2010؛ ترجمه کاوسی، 1390). رفتار گرایانی، مثل اسکینر و سایر نظریه‌پردازان یادگیری، با انجام آزمایش‌هایی که برای ارزیابی رفتار اخلاقی طراحی شده بود، به مفهوم وجدان و ارزش‌ها در ادبیات فروید اعتراض کردند، زیرا آن‌ها را سازه‌هایی بسیار انتزاعی و غیرقابل بررسی می‌دانستند. از سوی دیگر، کار پیازه توسط کلبرگ، در قالب زنجیره شش مرحله‌ای تحول قضاوت اخلاقی گسترش یافت (هفنر<sup>2</sup>، 2003). براساس تئوری مراحل تحول روانی جنسی فروید، اخلاق در پنج سالگی شکل می‌گیرد، در حالی که بر اساس تئوری ساختاری تحولی کلبرگ، گرایش به اصول اخلاقی (عالی‌ترین مرحله یا مرحله 6)، تقریباً در اواخر دوره تحول ایجاد می‌شود. از سوی دیگر، تئوری یادگیری، ایده مراحل را به طور کامل رد کرده و اخلاق پخته را بر حسب درونی‌سازی موفقیت‌آمیز هنجارها و ارزش‌های فرهنگی تعریف می‌کند. بنابراین، هر نظریه به وضوح پاسخ‌های خود را به سؤال‌های تحولی در مورد خاستگاه، فراگیری اخلاق و ماهیت تغییر، مشخص کرده است (لااد، برگس<sup>3</sup>، 1999). داستان‌ها برای رشد تفکر یا همان فلسفه ورزی کودک ابزار مناسبی هستند. امروزه استفاده از داستان و داستان خوانی به منزله‌ی ابزاری برای پیشبرد تفکر کودکان ضروری است. ادبیات کودک با عناصر

4. Plosky  
5. Bettelheim

1. Greene  
2. Heffner  
3. Laad and Burgess

ایجاد و پرورش مفاهیمی همچون همدلی، بردباری، خویشتن داری، وجدان، عدالت، مهربانی، در کودک ضروری می‌نماید تا جایی که وی حس درونی عمیق و رشد یافته‌ای درباره درست و نادرست داشته باشد و در مقابل تأثیرات بیرونی ایستادگی کند. طبق نظر (بتلهایم، 1978) برخی از کودکان به این جهت که هرگز هوش اخلاقی را کسب نکرده‌اند، در معرض خطر جدی قرار دارند. این کودکان به دلیل دارا بودن وجدان سطحی ضعیف در مهار کردن امیال- رشد نیافتگی حساسیت اخلاقی و باورهایی که به گونه‌ای نادرست هدایت شده‌اند تا حد زیادی به عقب افتادگی دچارند. از آنجا که قصه‌هایی که کودکان می‌خوانند و می‌شنوند اثری عمیق بر فکر و روحیه‌ی آنها می‌گذارد و آنها را برای رویارویی با مسائل رشد و معاشرت با دیگران آماده می‌سازد و نیز در درک و فهم مشکلات زندگی آنها را یاری می‌دهد (پلوسکی، 2006). این پژوهش درصدد است تا تأثیر استفاده از ابزار قصه‌گویی در جهت ارتقاء هوش اخلاقی را مورد سنجش و آزمایش قرار دهد.

### روش

پژوهش حاضر یک طرح آزمایشی از نوع پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل بود که از دو گروه آزمودنی تشکیل شده بود. اندازه‌گیری اول با اجرای یک پیش‌آزمون بر روی گروه‌های آزمایش و کنترل و اندازه‌گیری دوم پس از اعمال متغیر مستقل بر گروه آزمایش با یک پس‌آزمون بر روی هر دو گروه آزمایش و کنترل انجام گردید. جامعه آماری شامل تمام کودکان دختر 4 تا 6 سال مهدهای کودک شهر اصفهان بود و حجم نمونه شامل 30 کودک دختر بود که از سه مهد کودک به طور تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. قبل از آزمایش سطح هوش اخلاقی کودکان توسط پرسشنامه هوش اخلاقی

پژوهش‌هایی چند به بررسی تأثیر قصه‌گویی بر رشد مهارت‌های رفتاری، روانی و اخلاقی کودکان پرداخته‌اند از جمله کیا کمال (1390) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که قصه‌گویی به عنوان یک روش آموزشی غیرمستقیم می‌تواند بردباری کودکان را افزایش دهد. همچنین مظاهری تهرانی (1390) با بررسی نقش قصه‌گویی بر پیشرفت اخلاقی کودکان در مدارس به این نتیجه رسید هنر قصه‌گویی با بهره‌گیری از امکانات موجود با تمامی اشکال گوناگون خود، بردباری را در کودکان مصروع افزایش می‌دهد. ترابی (1389) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که قصه‌گویی بر افزایش حس عدالت در کودکان مؤثر است. پشت‌دار (1386)، سوییتسر<sup>1</sup> (2010)، بتلهایم (1978)، آیکین<sup>2</sup> (2007)، نیز به تأثیر قصه‌گویی بر افزایش مهارت‌های اجتماعی و ایجاد رفتارهای اخلاقی کودکان پی برده‌اند. پارکر و همکاران<sup>3</sup> (2010)، شچمن و ناچول<sup>4</sup> (1996)، (کلین<sup>5</sup>، 1984؛ ترجمه جهان‌گیرزاده، 1389)، هاکسلی<sup>6</sup> (2007؛ ترجمه کشاورزی، 1386) و اسمتانا<sup>7</sup> (2006) تأثیر قصه‌گویی بر پرورش ابعاد گوناگون اخلاق و رفتار در کودکان را مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیدند که تأثیر قصه‌گویی بر ابعاد گوناگون رشد اخلاقی کودک و سازگاری او با محیط اطراف خویش انکارناپذیر است. از آنجا که هوش اخلاقی به مثابه عضله‌ای است که کودک برای مواجهه با فشارهای منفی به آن نیاز دارد و به او قدرتی می‌دهد که بتواند با راهنمایی یا مستقلاً به طرز صحیح رفتار کند (گرین، 1996)،

1. Sweetser
2. Aikin
3. Parker and coworker
4. Schechtman and Nachshol
5. Klien
6. Haksley
7. Smetana

مهارت‌های زندگی استفاده گردید (مشتاق و واثقی، 1390). هفت ویژگی اخلاقی همدلی، وجدان، خویشتنداری، احترام، مهربانی، بردباری و انصاف بودند که به عقیده میکله بوربا سازنده هوش اخلاقی کودکان محسوب می‌شوند. جهت تأیید شدن هماهنگی این داستان‌ها با مؤلفه‌های هوش اخلاقی از یک گروه متخصص اعم از مربیان قصه‌گویی در مهدهای کودک و مربیان قصه‌گویی کانون پرورش فکری کودکان و همچنین چند نفر از اساتید روانشناسی رشد در کشور استفاده گردید و تصمیم بر این شد که از تصاویر این کتاب‌ها استفاده شود و موضوع مورد نظر با زبانی ساده و رسا برای کودکان بیان شود. داستان‌های انتخاب شده برای انجام این کار شامل داستان کرگدن خشمگین و موش‌های ناقلا برای آموزش همدلی، داستان جشن آتش برای آموزش خویشتنداری، داستان آتش‌سوزی در جنگل برای آموزش وجدان، داستان گرگ مغرور برای آموزش احترام، داستان جستجوی گل‌های بنفشه برای آموزش مهربانی، داستان یک روز پر ماجرا برای آموزش بردباری و داستان مهمان‌های جدید برای آموزش عدالت بود. علاوه بر این در هر جلسه مطالبی در مورد تقویت هر یک از این هفت فضیلت به والدین این کودکان داده شد تا در منزل تکالیفی را جهت تقویت بیشتر این فضائل انجام دهند.

**روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:** برای پردازش داده‌ها از آزمون کوواریانس چند متغیری استفاده شد. در پژوهش حاضر داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS 16 مورد پردازش قرار گرفتند.

#### یافته‌ها

داده‌های توصیفی همچون میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی، کمترین و بیشترین نمره در جدول 1 ارائه شده‌اند.

(میکله بوربا، 2010؛ ترجمه کاوسی، 1390) سنجیده شد. این پرسشنامه توسط والدین کودکان تکمیل گردید. زیرا کودکان مورد آزمایش هنوز آموزش خواندن و نوشتن ندیده بودند. در این آموزش، رفتارهای انجام شده در داستان با بیانی ساده و روان به منظور درک بهتر کودکان توضیح داده شد و آن رفتارها با رفتارهای کودکان در مهد مقایسه گردید.

#### ابزار اندازه‌گیری

به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه هوش اخلاقی 77 سؤالی (میکله بوربا، 2010؛ ترجمه کاوسی، 1390) استفاده شده است که پس از تأیید شدن روایی محتوای آن توسط پنج تن از اساتید و متخصصان روانشناسی رشد در دانشگاه‌های کشور، 30 نسخه از این پرسشنامه‌ها در اختیار والدین آزمودنی‌ها قرار گرفت و پایایی آن سنجیده شد و به تأیید رسید. قابلیت اعتماد درونی آن بر اساس آلفای کرونباخ برابر با  $\alpha = .95$  به دست آمد. پرسش‌های این پرسشنامه همدلی، وجدان و خویشتنداری، احترام، مهربانی، بردباری و انصاف در کودکان را می‌سنجد که هر کدام 11 گویه را در بر می‌گیرد و با 5 طیف خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم طراحی شده است.

**شیوه اجرا:** قبل از اجرای مداخله پرسشنامه هوش اخلاقی 77 سؤالی (میکله بوربا، 2010) توسط والدین کودکان تکمیل گردید. سپس به افرادی که در گروه آزمایش بودند، از طریق قصه‌گویی مهارت‌های هوش اخلاقی طی 3 ماه و هفته‌ای 2 بار (24 جلسه‌ی 2 ساعته) توسط مربی (محقق) آموزش داده شد. این روش مداخله با توجه به پژوهش انجام شده با عنوان تأثیر قصه‌های قرآنی بر هوش عاطفی کودکان انجام شد (هویدا و همایی، 1389). جهت قصه‌گویی از هفت داستان از مجموعه داستان‌های کودک و

جدول 1. شاخص های توصیفی پیش آزمون - پس آزمون خرده مقیاس ها در دو گروه آزمایش و کنترل.

بیشترین	کمترین	کشیدگی	کجی	انحراف معیار	میانگین	آزمون	گروه	
55	25	4/28	-1/66	7/15	45/53	پیش آزمون	گروه آزمایش	همدلی
53	36	-0/76	-48/0	5/52	48/06	پس آزمون		
55	33	0/62	6/0	6/77	46/43	پیش آزمون	گروه کنترل	
51	31	-0/64	0/07	5/66	42/46	پس آزمون		
52	32	-0/45	-0/58	5/72	41/66	پیش آزمون	گروه آزمایش	خویشتن داری
51	31	-0/48	-0/21	5/53	43/66	پس آزمون		
51	32	-1/14	0/21	6/24	41/28	پیش آزمون	گروه کنترل	
49	26	0/15	-0/46	6/42	38/07	پس آزمون		
48	33	-0/69	-0/07	4/45	40/2	پیش آزمون	آزمایش	وجدان
45	33	-0/64	-0/31	3/75	43/46	پس آزمون		
44	28	-0/41	-0/32	4/36	36/66	پیش آزمون	کنترل	
42	25	-1/18	-0/15	5/46	35	پس آزمون		
54	35	-0/01	0/02	98/4	44/46	پیش آزمون	آزمایش	احترام
52	32	1/79	-1/28	5/21	46/73	پس آزمون		
51	30	-0/55	-0/16	6/17	41/46	پیش آزمون	کنترل	
48	25	-0/44	-0/3	6/71	38/66	پس آزمون		
51	36	-0/48	-0/94	4/7	45/46	پیش آزمون	آزمایش	مهربانی
87	33	9/09	2/7	12/41	46/33	پس آزمون		
52	35	-0/89	0/05	4/98	43/46	پیش آزمون	کنترل	
47	34	-0/86	-0/15	3/79	40/4	پس آزمون		
54	33	-0/29	0/07	6/33	43/6	پیش آزمون	آزمایش	بردباری
53	32	-0/05	-0/3	5/75	46/13	پس آزمون		
51	32	0/53	0/08	5/34	41/2	پیش آزمون	کنترل	
43	26	-0/49	-0/53	4/99	36/33	پس آزمون		
51	33	1/03	-0/88	4/63	44.2	پیش آزمون	آزمایش	عدالت
51	32	-0/38	-0/51	5/43	46/13	پس آزمون		
54	32	0/39	0/7	5/9	40/73	پیش آزمون	کنترل	
48	28	-1/09	-0/06	6/12	37/73	پس آزمون		

پس آزمون با گروه کنترل می باشد و از آنجایی که به جای یک متغیر، چند متغیر مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند، از روش آماری تحلیل کوواریانس چندمتغیری می توان استفاده کرد.

بنابراین پیش فرض های استفاده از تحلیل کوواریانس چند متغیری مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. مقادیر آماره آزمون شاپیروویک جهت بررسی فرض نرمال بودن توزیع متغیرها حاکی از نرمال بودن توزیع متغیرها در گروه آزمایش و کنترل می باشد. همچنین وجود همگنی شیب های رگرسیون نیز در دو متغیر مورد تأیید قرار گرفت و مشخص شد که بین

همان طور که در جدول شماره 1 نشان داده شده است، خرده مقیاس های همدلی، خویشتن داری، احترام، بردباری و عدالت در گروه آزمایش از افزایش میانگین در پس آزمون نسبت به پیش آزمون برخوردار بودند. در حالی که در گروه کنترل نه تنها افزایش میانگینی دیده نمی شود بلکه در بعضی موارد کاهش میانگین هم صورت گرفته است. اما در دو مؤلفه خویشتن داری و مهربانی، تفاوت میانگین ها در گروه آزمایش نیز محسوس نیست.

جهت آزمون فرضیه های اصلی این پژوهش با توجه به نوع طرح پژوهش که از نوع پیش آزمون -

تحلیل کوواریانس چندمتغیری استفاده شد. بر اساس تحلیل کوواریانس چندمتغیری ( $\lambda = 0/953$ ) و  $F = 4/08$  در سطح معنی داری ( $P = 0/003$ ) می توان بیان کرد که این بررسی از لحاظ آماری در سطح  $P > 0/05$  معنی دار است.

جهت پی بردن به این که کدامیک از مؤلفه های هوش اخلاقی اثر بخشی معنی دار دارند، از تحلیل کوواریانس یک راهه در متن MANCOVA استفاده گردید که نتایج حاصل از آن در جدول شماره 2 درج شده است.

متغیرهای مورد پژوهش رابطه خطی وجود دارد. همچنین شرط همگنی ماتریس های واریانس کوواریانس که توسط آزمون باکس بررسی شد، رعایت شده است؛ بنابراین می توان گفت که پیش فرض های اساسی تحلیل آماری کوواریانس چند متغیری رعایت شده است، لذا به تجزیه و تحلیل فرضیه پژوهش با توجه به این روش آماری می پردازیم.

بنابراین جهت آزمون هدف پژوهش که عبارت از اثر قصه گویی بر هوش اخلاقی کودکان از روش

جدول 2. خلاصه نتایج تحلیل کوواریانس های یک راهه در متن مانکوا مربوط به اثر قصه گویی بر مولفه های هوش اخلاقی کودکان

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	اندازه اثر	توان آماری
همدلی	127/04	1	127/04	15/5	0/001	0/66	0/96
خویشترداری	16/95	1	16/95	1/68	0/2	0/06	0/24
وجدان	89/68	1	89/68	9/78	0/04	0/25	0/81
احترام	39/59	1	39/59	3/9	0/03	0/32	0/77
مهربانی	135/46	1	135/46	1/87	0/18	0/11	0/43
بردباری	173/88	1	173/88	20/96	0/01	0/43	0/44
عدالت	40/86	1	40/86	3/96	0/04	0/4	0/99

وجدان، احترام و بردباری از لحاظ آماری در سطح  $P \leq 0/50$  معنی دار و متغیرهای خویشترداری، مهربانی و عدالت از لحاظ آماری در سطح  $P \leq 0/50$  معنی دار نیستند. این بدان معناست که قصه گویی بر افزایش هوش اخلاقی کودکان به طور کلی و بر مؤلفه های همدلی، وجدان، احترام و بردباری تاثیر داشته است.

با توجه به نتایجی که جدول شماره 2 نشان می دهد، برای همدلی ( $F = 15/5$  و  $P = 0/001$ )، برای خویشترداری ( $F = 1/68$  و  $P = 0/2$ )، وجدان ( $F = 9/78$ ) و  $P = 0/04$ )، احترام ( $F = 3/9$  و  $P = 0/03$ )، مهربانی ( $F = 1/87$  و  $P = 0/18$ )، بردباری ( $F = 20/96$ ) و  $P = 0/01$ )، عدالت ( $F = 3/96$  و  $P = 0/04$ ) بدست آمد که می توان بیان کرد که متغیرهای همدلی،



## نتیجه‌گیری و بحث

در فرهنگ ایرانی مهربانی جزء ویژگی‌های مورد پسند خانواده‌ها محسوب می‌شود و بر مهربان بودن دختران از ابتدا تأکید بیشتری می‌شود. همچنین ناهمخوانی خویش‌انداری می‌تواند به علت انتخاب نوع قصه‌های خوانده شده و احتمالاً عدم مهارت قصه‌گو در رساندن مفهوم خویش‌انداری از طریق قصه‌ها به کودکان باشد. تصور می‌شود ناهمخوانی در مؤلفه عدالت به خاطر سطح تحول اخلاقی کودک می‌باشد. از نظر کلبرگ کودکان از 4 تا 10 سال در مرحله پیش‌عرفی یعنی اجتناب از تنبیه و کسب پاداش و لذت قرار دارند. در این مرحله، کودک توجه چندانی به انگیزه عمل فرد نمی‌کند و بیشتر به پیامد آن فکر می‌کند و از نظر آنان عملی اخلاقی است که برای آنان فایده داشته باشد. علاوه بر این از نظر کلبرگ رشد اخلاقی دختران نسبت به پسران در سطح پایین‌تری قرار دارد (سیف، 1390). به همین دلیل تصور می‌شود به دلیل گروه سنی افراد نمونه (6 ساله) و به دلیل جنسیت افراد (دختر) انتظار می‌رود مفهوم عدالت را به درستی درک نکنند. اسمتانا (2006) در کتاب خود تحت عنوان "تأثیر والدین بر رشد اخلاقی کودک" نوشته است زندگی اخلاقی داشتن فقط مستلزم به جا آوردن نوعی از اعمال نیست، بلکه نوعی از انسان بودن را ایجاب می‌کند. قصه‌ها قوانین اخلاقی، شیوه تبعیت از احکام اخلاقی، شکل‌دهی فعالانه به خویش و غایات اخلاقی را در ناخودآگاه کودک می‌ریزند و جهان‌بینی ارائه می‌کنند که در آن مخاطب کودک به سمت تعالی روح حرکت می‌کند و این حرکت در گرو ارزش‌های اخلاقی است که کودک از قصه برداشت می‌کند. به عنوان مثال اگر در قصه‌ای کودک اسباب‌بازی مورد علاقه‌اش را به کودک دیگری می‌بخشد که اسباب

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد روش قصه‌گویی بر افزایش مؤلفه‌های همدلی، وجدان، احترام و بردباری در کودکان مؤثر است. این یافته‌ها با پژوهش‌های پشت‌دار (1386)، سوییتسر (2010) و بتلهایم (1978) در زمینه افزایش همدلی همسویی دارد. از این رو می‌توان گفت قصه‌گویی سازمان‌دار برای کودکان در افزایش همدلی آنان با دیگران مؤثر است. همچنین یافته‌های طاق‌دیس (1387) و متیو<sup>1</sup> (1976) نیز در زمینه وجدان با پژوهش حاضر همسویی دارند و این یافته‌ها را تأیید می‌کنند. یافته‌های به دست آمده از پژوهش‌های شهیم (1388) لیپمن<sup>2</sup> (2003) در زمینه‌ی احترام و همچنین یافته‌های کیا کمال (1390)، مظاهری تهرانی (1390)، شچمن (2009)، اسمتانا (2006) و ترابی (1389) در زمینه بردباری همخوانی دارد. از این رو، می‌توان گفت قصه‌گویی گروهی، چنانچه در مسیر صحیح قرار گیرد و سازمان‌دار باشد، می‌تواند بر رشد اخلاقی کودکان در جنبه‌های گوناگون تأثیرگذار باشد. اما این روش بر مؤلفه‌های مهربانی، خویش‌انداری و عدالت تأثیرگذار نبود و این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های پشت‌دار (1386)، پارکر و همکاران (2010)، شچمن (1996) و لیپمن (2003) در زمینه مهربانی و با یافته‌های پژوهش‌های صفرزاده (1388)، کلاین (1984) و هاکسلی (2007) در زمینه خویش‌انداری و با یافته‌های پژوهش‌های ترابی (1389)، پارکر و همکاران (2010)، اسمتانا (2006) و لیپمن (2003) در زمینه عدالت همخوانی ندارد. تصور می‌شود ناهمخوانی مهربانی می‌تواند به این خاطر باشد که میزان مهربانی از ابتدا در کودکان بالا بوده است. زیرا

1. Matthews  
2. Lipman



رفتارهایی را بر می‌گزینند که احترام و تشویق اجتماعی را به دنبال دارد (همایی، 1388).

از آنجا که این پژوهش بر روی دختران 4-6 سال اصفهان انجام شده است، نمی‌توان نتایج آن را به گروه‌ها یا نمونه‌های دیگر با توجه به سن، جنسیت و استان تعمیم داد. از این رو پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در همین زمینه بر روی نمونه‌های دیگر همچون پسران، سنین و مقطع‌های دیگر، افراد با وضعیت اجتماعی - اقتصادی دیگر، شهرهای دیگر و فرهنگ‌ها و ملیت‌های دیگر نیز اقدام به پژوهش و بررسی کنند.

#### منابع

- اسمتانا، ج. (2006). (تأثیر والدین بر رشد اخلاقی کودک). غلامرضا متقی‌فر. مجله معرفت. 57 (7) 85-91.
- بوربا، م. (1390). پرورش هوش اخلاقی. چاپ اول. ترجمه فیروزه کاوسی. تهران: انتشارات رشد.
- بتلهایم، ب. (1386). کودکان به قصه نیاز دارند. ترجمه کمال بهروز کیا. تهران: نشر افکار.
- پلوسکی، آ. (1385). قصه‌گویی در خانه و خانواده. ترجمه مصطفی رحماندوست. تهران: انتشارات مدرسه.
- پشت‌دار، ع. م. (1386). قصه‌گویی خلاق و اهداف آموزشی. تهران: انتشارات اعتماد.
- ترابی، ژ. (1389). تاثیر آموزش گروهی بر هوش اخلاقی کودکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه آزاد خوراسگان.
- دلاور، ع. (1380). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد.
- دادستان، پ؛ محسن علیق، ا؛ رسول‌زاده طباطبائی، ک؛ آذربایجانی، م. و بیات، م. (1389).

بازی ندارد، دیگر نیازی به معرفی ارزش بخشیدن نیست. همچنین ارزش آزادی را وقتی کودک می‌فهمد که ببیند حیوانی در قصه اسیر شده باشد. کودک در قصه بارها و بارها شاهد همکاری و همدلی و مهربانی حیوانات بوده و این را به راحتی درک کرده است. از جمله ارزش‌های اخلاقی دیگری که کودک در میان قصه‌ها پیدا می‌کند می‌توان به مسئولیت‌پذیری، وفای به عهد، قانع بودن، فداکاری، امید، شجاعت، عشق به پدر، مادر و ائمه، عدالت و انصاف، روح انسان دوستی و نوع‌پروری، عزت نفس، انسانیت، حقیقت و فروتنی اشاره کرد. کودک همچنین پی به ارزش نادانی و دانایی می‌برد و یاد می‌گیرد شتابزده عمل نکند. در مجموع، قصه خود به تنهایی دارای سلامت ذوق در قرون مختلف بوده است و این سلامت ذوق، ارزش‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی پربراری داشته که به سلامت جامعه کمک بسیار مؤثری کرده است. افزون بر این، روش قصه‌گویی کار آبی خود را در ایجاد و تحول مفاهیم اخلاقی و اجتماعی کودکان در پژوهش‌های پاترسون، رید و دیشیون (1992) و نوربری و بیشاپ (2003) به اثبات رسانده است. از سوی دیگر لیپمن (1980) قصه‌گویی را به نحو مناسبی برای آموزش مفاهیم منطقی و فلسفی به کودکان به کار گرفته و در این زمینه به موفقیت‌هایی دست‌یافته است (دادستان، 1389). همچنین با استناد به نظریه یادگیری اجتماعی - شناختی بندورا (1972) می‌توان نتیجه گرفت که کودکان با الگوبرداری و همانندسازی با رفتار قهرمانان قصه‌ها و قضاوت درباره رفتار خویش، خود را اصلاح نمودند. طبق این نظریه، کودکان هنگام قصه گفتن تخیل خود را با واژه‌ها و شخصیت قصه‌ها همسو و هماهنگ می‌کنند و بدین ترتیب

- قصه گویی و تحول مفهوم خدا در کودکان ایرانی و لبنانی. مجله روانشناسان ایرانی. شماره 24.
- رحمان دوست، م. (1388). قصه گویی: اهمیت و راه رسم آن. تهران: رشد.
- سیدی، ط. (1389). تأثیر قصه گویی در درمان پرخاشگری. مقاله ارائه شده در اولین همایش بین المللی روانپزشکی کودک و نوجوان، 154.
- سیف، س. (1390). روانشناسی رشد. ج. 1. تهران: انتشارات سمت.
- شهیم، س. (1388). (پرخاشگری آشکار و رابطه ای در کودکان دبستانی). پژوهش های روان شناختی، سال نهم، شماره 21-27-44.
- صفرزاده، ا. (1388). بررسی اثر بخش مهارت های اجتماعی در برقراری ارتباط اجتماعی کار آمد دانش آموزان دختر اول متوسط. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- طاقدیس، س. (1387). یاد داشتی درباره کودک قصه و مطالعه). پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره 19.
- کلاین، م. (1389). رشد اخلاقی. ج. 1. ترجمه محمد رضا جهانگیرزاده و همکاران. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- کیا کمال، ب. (1390). (قصه و داستان در کتاب های درسی و کمک درسی آلمان). پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره 42.
- گرین، ا. (1386). هنر و فن قصه گویی. ترجمه طاهره آدینه پور. تهران: انتشارات ابجد.
- مظاهری تهرانی، م. (1390). تأثیر آموزش شیوه های رفتار گروهی بر هوش اخلاقی اجتماعی کودکان و نوجوانان مصروع. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان.
- مشتاق، م. (1389). کودک و مهارت های زندگی. تهران: انتشارات ابوعطا.
- هاکسلی، ر. (2007). پرورش هوش اخلاقی در کودکان. ترجمه فرناز کشاورزی.
- هویدا، ر. و همایی، ر. (1389). تأثیر قصه های قرآنی بر هوش هیجانی کودکان، دانشکده روانشناسی اصفهان، شماره 1
- همایی، ر.؛ کجیاف، م. ب.؛ و سیادت، س. ع. (1388). (تأثیر قصه گویی بر سازگاری کودکان). مطالعات روانشناختی.
- Adel, G.A. (2007). (Postmodernism and Children's Literature). *The journal of the International Christian community for teacher education: A faith-based perspective. ICCT journal. 2:2.*
- Bettelheim, B. (1978). *The Uses of Enchantment: The Meaning and Importance of Fairy Tales*. London: Penguin.
- Heffner, M. (2003). *Excremental support for the use of story telling to guide behavior: The effect of story telling on multiple and mixed ratio (FR)/ differential reinforcement of low rate (DRL) schedule responding Unpublished Doctoral Dissertation, West Virginia University.*
- Ladd, G., & Burgess, K. (1999). Charting the relationship trajectories of aggressive/non withdrawn, and aggressive/withdrawn children during early grade school. *Child Development, 70, 910-929.*
- Lipman, M. (2003). *Thinking in Education (2nd Ed.)*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Lipman, M. (1980), *Philosophy in the classroom Philadelphia*: Temple university press.

- Nourbury, c.F. & Bishop, D.V. (2003). (Narrative skills of children with communication impairment). *International Language communication Disorders*.38 (3,287,313).
- Matthews, Gareth. B. (1976). *Philosophy in Children's Literature*.Cambridge ,MA: Harvard university press.
- Parker, J.G. & Asher, S.R. (2010). *Friendship and friendship quality in middle childhood: Links with peer group acceptance and feelings of loneliness and social dissatisfaction*. *Developmental Psychology*, 29, 611-621.
- Patterson, G.R. & Reid, J.B & Dishion, T.J. (1992). *A social Learning approach: Antisocial boys*. Castalia publishing co.
- Shechtman, Z. & Nachshol, R. (1996). (A school-based intervention to reduce aggressive behavior in maladjusted adolescents). *Journal of Applied Developmental Psychology*. 17, 535-552.
- Sweetser, E. (2010) 'Compositionality and blending: semantic composition in a cognitively realistic framework' in Janssen, Theo and Gisela Redeker, editors. *Cognitive Linguistics: Foundations, Scope, and Methodology*. Berlin and New York: Mouton de Gruyter, 129-162.
- Smetana, J.G. (2006). *Social- Cognitive Domain Theory*. Killen, M. & Smetana, J.G. (2006). *Handbook of Moral Development*. Mahwah, New Jersey: Lawrence Erlbaum Association, Inc., Publishers.